

بررسی و نقد جایگاه صومعه در رهبانیت مسیحی

سید مرتضی میرتبار*

چکیده

صومعه در دوره سوم رهبانیت مسیحی ایجاد شد که مؤسس آن پاکومیوس بوده است. این لفظ به مرور زمان هم‌تراز معنای صحرا برای آبابی صحرا شد و جایگاهی مقدس در الاهیات رهبانی به خود اختصاص داد و به نوعی از مهم‌ترین عوامل گسترش رهبانیت مسیحی شد. علل متعددی در گسترش صومعه وجود دارد که برخی از این علل عبارت‌اند از: شمار فراوان راهبان؛ اشتیاق بسیاری از مردم به ساخت صومعه؛ و همچنین جابه‌جایی صومعه‌ها در طول قرون متعدد. با وجود فواید بسیاری که صومعه برای راهبان داشته، اما مضرات و معایب زیادی نیز برای راهبان و جامعه رهبانی ایجاد کرد که برخی از این معایب عبارت‌اند از: ایجاد مکاتب متعدد الاهیاتی فقط به دلیل رابطه مراد و مریدی؛ از بین بردن روحیه ظلم‌ستیزی و قیام؛ شهرت کاذب و غرور؛ مکانی برای دستیابی به قدرت؛ مکانی برای ایجاد فساد در برخی راهبان؛ مادی‌گرا شدن راهبان؛ محرومیت جامعه از استعدادها و ... در واقع، جامعه دینی مسیحی باید نگاهی جدید به صومعه داشته باشد و فضای آلوده آن را با بازگشت به دوران سلف تطهیر کند.

کلیدواژه‌ها: صومعه، دیر، رهبانیت، مسیحیت، پاکومیوس.

* دانشجوی دکترای مطالعات تطبیقی ادیان، گرایش الاهیات مسیحی، و پژوهشگر پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه (ص).

مقدمه

از زمانی که جهان شاهد به قدرت رسیدن مسیحیان و تشکیل حکومت مسیحی شده رخدادهای حیاتی و مهمی در درون کلیساهای مسیحی رخ داده است. بیشتر افتراقات و جدایی‌های فرقه‌ای در مسیحیت از این دوره به وجود آمد و الاهیات‌های مختلفی به صورت نظام‌مند در جامعه دینی مسیحی ایجاد شد. از جمله جدایی‌هایی که در حدود سده چهارم میلادی در جوامع مسیحی آغاز شد روند رو به رشد عرفان مسیحی بود که سعی در تشکیل الاهیاتی نظام‌مند داشت که در ادامه منجر به تشکیل الاهیات رهبانیت شد. ظهور و پیدایی آغازین رهبانیت با کناره‌گیری و انزواطلبی افرادی همچون آنتونی قدیس در مصر آغاز شد. بعدها با کوچ جمعیتی از عارفان مسیحی به صحرا، آبای صحرا پدیدار شدند؛ اشخاصی که از جامعه جدا شده، به دامان بیابان پناه برده بودند (اسمارت، ۱۳۸۳: ۱۱۹). برخی، از این حرکت به عنوان جریانی ضداجتماعی نام می‌برند و آن را بهترین روش برای تکریم و پرستش خداوند می‌دانند. آنها به جای تغییر جامعه و سوق دادن آن به سوی خداواری و معنوی کردن جامعه، دوری گزیدن از جامعه را بهترین راه دانسته‌اند (ناردو، ۱۳۸۵: ۸۶).

بعد از آنتونی، پاکومیوس سکان‌دار رهبانیت مسیحی بود، اما او آزادی و خودسری را با آرمان‌های دینی و اخلاقی سازگار نمی‌دانست. بنابراین، صومعه‌هایی را تأسیس کرد که دارای انضباط در کار و عبادت بود و مراعات قواعد اخلاقی و رفتاری نیز برای زندگی رهبانی در آن ضروری بود (Henry, 1967: 178). مهم‌ترین ویژگی رهبانیت مکتب پاکومیوس، رهبانیت سنوبتیک یا همان گروه‌گرایی بوده است که طبق آن یک گروه و جامعه رهبانی مشخص بر اساس قوانین مشترک و معلوم به زندگی رهبانی می‌پردازند. بنابراین، از او به عنوان بنیان‌گذار زندگی عمومی یا اشتراکی رهبانی یاد می‌کنند (Mccarthy, 2002: vol. 10, p. 742).

اندک اندک پناه بردن به صحرا و انزوا در آن برای راهب ضرورتی نداشت. با ظهور بزرگانی همچون پدران کلیسایی کاپادوکیه، معنا و مفهوم خاصی برای رهبانیت و صحرا ایجاد شد. این بزرگان، که هر یک صاحب سبک خاصی در رهبانیت و الاهیات مسیحی بودند، به فساد جامعه بشری اعتقاد نداشتند و ترک آن را لازم نمی‌دانستند. آنها خود در مباحثات الاهیاتی حضور جدی داشتند و حتی در مسائل سیاسی عصر خود نیز شرکت

می‌کردند. همچنین، حضور در صحرا را لازم نمی‌دانستند، هرچند گاهی برای دعا و تفکر به صحرا می‌رفتند، اما آن را اصلی مسلم و ویژگی ضروری در رهبانیت نمی‌دانستند (میشل، ۱۳۸۷: ۱۴۳) و صومعه جای صحرا را برای راهبان پر کرد. بنا بر آنچه در تاریخ و سیر تحولات رهبانیت مسیحی آشکار شد، یکی از عوامل شهرت رهبانیت مسیحی را باید سنت دیرنشینی و تشکیل صومعه دانست. اما پرسش اینجاست که چگونه صومعه وارد الاهیات رهبانی شد و چه فواید و مضراتی برای رهبانیت مسیحی به همراه داشت؟ در واقع از مهم‌ترین مسائلی که در بررسی کامل رهبانیت مسیحی لازم است شناخت کامل صومعه و تأثیر آن بر شکل‌گیری نظام رهبانی است. لذا برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، بعد از ارائه تعریف دقیق از رهبانیت، به بررسی، تعریف و چگونگی شکل‌گیری صومعه و عوامل گسترش آن می‌پردازیم و در پایان، نقدهای وارد بر آن را بررسی و تحلیل می‌کنیم.

۱. تعریف رهبانیت مسیحی

پیش از وارد شدن به بحث صومعه، لازم است به طور واضح و شفاف به تعریف رهبانیت پردازیم و تعریفی نهایی و کاملی از آن ارائه کنیم تا مشخص شود که آیا صومعه بدعتی در رهبانیت بوده، یا اصلی اساسی در آن است؛ بنابراین، در ادامه به طور مفصل به تعریف لغوی و اصطلاحی رهبانیت می‌پردازیم.

۱.۱. تعریف لغوی رهبانیت

واژه «رهبانیت» در زبان انگلیسی monasticism است که همانند کلمات مترادف خود یعنی راهب (monk)، صومعه (monastery) و رهبانی‌گری (monachism) از کلمه یونانی monos مشتق شده که اشاره به کسی دارد که تنها یا جدای از دیگران زندگی می‌کند (O'connor, 2004: vol. 3, p. 1459). طبق این ریشه‌شناسی، ممکن است راهب فردی گوشه‌نشین یا زاهدی سرگردان باشد که ازدواج نکرده است و عضوی از یک گروه رهبانی شده است (Weckman, 2005: vol. 9, p. 6121). رهبانیت، نهادی قدیمی و باستانی است که مقرراتی برای زندگی زاهدانه تنظیم کرده که به شیوه خاصی از زندگی دینی که با زهد و سادگی همراه است زندگی می‌کنند (Gribomont, 2002: vol. 9, p.786).

اما «رهبانیت» واژه‌ای عربی است که اغلب لغت‌نویسان عرب این واژه را معادل «رهب» به معنای خوف و ترس دانسته‌اند (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۲۵/۳). البته باید دانست که هر ترسی در اینجا منظور نیست، بلکه ترس و خوف با دوران‌دیشی و احتیاط و اضطراب مد نظر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۶). اما در رساله قشریه درباره رهبانیت مسیحی آمده است که رهبت، مطلق هر گونه خوفی است که بنده را از قیام به حدود شرع دور می‌کند، (فروزان‌فر، ۱۳۸۸: ۲۵۰) اعم از اینکه حکم مشروع الاهی باشد یا حکم حکومتی. طبرسی نیز در تعریف این واژه معنای مطلق خوف را برداشت نموده و معتقد است رهبانیت مسئله‌ای اختراعی بوده که مطلقاً در آن معنای خوف و ترس ظاهر می‌شود (طبرسی، ۱۳۶۰: ۲۴ / ۲۴۹).

برخی «رهبانیت» را مصدر «راهب» دانسته‌اند و منظور از آن را عبادت در صومعه می‌دانند. در مجمع البحرین درباره واژه «رهبانیت» آمده که منظور از آن نیایش‌گرانی هستند که به کوه‌ها و صومعه‌ها می‌روند و خود را از مردم جدا می‌کنند و به تنهایی به عبادت مشغول می‌شوند (طریحی، ۱۳۷۵: ۷۵/۲).

۱.۲. رهبانیت در اصطلاح

اما در تعریف اصطلاحی «رهبانیت» و «راهب» باید میان دوران اولیه مسیحی و دوره حیات آنتونی و بعد از آن فرق گذاشت. البته نکته مسلم این است که اصطلاح «رهبانیت» در ابتدا بر گروه‌های مسیحی اطلاق می‌شد، اما امروزه در خصوص آداب و اعمال مشابه، و نه لزوماً یکسان، در آیین‌های بودا، هندو، جینه و تائو نیز به کار می‌رود ("Monasticism", in: *Merriam-Webster's ENC. of World Religions*, p. 746).

الف. تعریف رهبانیت در دوران عیسی و حواریون

مایه اصلی ریاضت و رهبانیت مسیحی، همدمی و تقلید از مسیح در پاکی، فقر و خودخوار شمردن اوست. نفی دنیا، آن‌گونه که در اناجیل همونا و در نوشته‌های یوحنا یافت شده، نمونه‌های اولیه از روحانیت مسیحی به شمار می‌رود (گوتتر بلوم، بی‌تا: ۵). بنابراین، برای کشف منشأ رهبانیت مسیحی، باید به دوران عیسی و حواریون رجوع کرد.

ویژگی‌هایی که الهی‌دانان رهبانی در تواریخ بعدی به آن اشاره کرده‌اند و آن را جزء اصول رهبانیت دانسته‌اند در این دوران وجود داشت و سرچشمه آن الاهیات را باید در زندگی عیسی و حواریون یافت. نصایحی همچون غریب بودن در دنیا (pilgrim) و تبعیدی بودن در این جهان (اول پطرس، ۲: ۱۱؛ عبرانیان، ۱۱: ۱۳) از جمله آموزه‌های کتاب مقدس است. لذا اگر کسی بخواهد راهب شود باید قانع و راضی باشد که به خاطر مسیح احمق شمرده شود (اول قرنیتان، ۴: ۱۰) و در این دنیا در پی چیزی جز خدا و نجات خویش نباشد (آ. کمپیس، ۱۳۸۹: ۵۶). در واقع از همان دوران حواریون برخی افراد در صدد تقلید از عیسی بودند و حتی همچون عیسی تجرد را سرلوحه خود قرار دادند و زهدگرایی را پیشه کردند تا بتوانند وارد ملکوت خدا شوند (متی، ۱۲: ۱۹). البته بیشتر حواریون از جمله پطرس ازدواج کرده بودند و اندکی همچون پولس مجرد بودند که این وضعیت تجرد را باید نادر دانست. زیرا مجرد بودن در دوره‌های بعدی از لوازم رهبانیت دانسته شد، حال آنکه در صدر مسیحیت چنین پیش شرطی ضروری نبود. چون تجرد در ابتدا با اعتقاد به بازگشت زود هنگام مسیح مرتبط بود و چون فرا رسیدن روز پایان و رستاخیز عیسی مسیح از منظر آنها نزدیک بود، لذا برخی افراد ازدواج نمی‌کردند (میشل، ۱۳۸۷: ۱۴۲).

ب. تعریف رهبانیت در سده سوم و اوائل سده چهارم میلادی

هینلز در کتاب خود در تعریف «راهب» و «راهبه» در سده سوم و چهارم مسیحی می‌نویسد:

عبارت بودند از مردان و زنانی که از دنیویت زندگی شهری و عادات کلیسا که در آن هنگام نهاد رسمی امپراتوری روم بود گریختند؛ آنان به بیابان گریختند تا با نیایش، روزه‌داری و کارهای جسمانی سخت توبه کنند و در پی خدا برآیند. در بیابان، آنان شیوه زندگی ریاضت‌کشانه آمیخته با فقر شدید و سادگی خیلی زیاد را در پیش گرفتند (هینلز، ۱۳۸۶: ۳۵۱).

رهبانیت در این دوره دو جنبه را لحاظ می‌کرد؛ یکی فقر رهبانی که نشان‌دهنده راهی برای پیروی از مسیح بود؛ و دیگری رهبانیت که جایگزینی برای شهادت بود (وان

وورست، ۱۳۸۵: ۱۵۶). در این دوره سخنی از صومعه یا مکان مخصوصی برای عبادت وجود ندارد و در واقع شرط رهبانیت، ریاضت نفس، تأمل، روزه‌داری و عزلت‌گزینی در صحراست که در این دوره شاهد چهره‌های شاخص آباء صحرا در تاریخ رهبانیت مسیحی هستیم (اسمارت، ۱۳۸۳: ۱۱۹-۱۲۰).

بسیاری از متفکران حوزه دینی از این دوره با عنوان دوره رهبانیت یاد می‌کنند و رهبانیت را از این دوره محاسبه می‌کنند. آنها از آنتونی قدیس به عنوان بنیان‌گذار رهبانیت نام می‌برند و مصر را مهد رهبانیت می‌دانند، در حالی که ممکن است رهبانیت زهدگرا در سوریه به وجود آمده باشد، نه در مصر. زیرا آنتونی بعد از سال هفتاد برای انزوا به صحرا رفت و شهرت یافت، در حالی که تاتیان یک قرن پیش از آنتونی می‌زیست و راهبان سوری پیش از راهبان مصری به صحراها سرازیر شده بودند (هیومافت، بی‌تا: ۸۲/۱).

ج. تعریف رهبانیت بعد از این دوره

در این دوره که با فعالیت پاکومیوس آغاز شد، مکان‌هایی به نام صومعه ایجاد شد که راهبان از صحرا به آنجا نقل مکان کردند و در آنجا مشغول عبادت شدند. به دلیل وجود گونه‌های افراطی، اندک اندک آیین‌نامه‌هایی برای زندگی رهبانی تنظیم شد که در ادامه منجر به ایجاد سازمان رهبانیت شد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۱). در این دوره راهبان در حجره‌هایی محقر زندگی می‌کردند و بدون هیچ قید و شرطی ناچار به اطاعت از مافوق خود بودند. کلیسای عمومی برای راهبان ساخته شد و آنها برای دعا در آنجا گرد هم جمع می‌شدند. یک نفر از میان خودشان را به عنوان کشیش منصوب می‌کردند تا آن فرد خادم کلیسا در آن منطقه باشد (مرتون، ۱۳۸۵: ۱۸۵). از این دوره دیگر راهبان در صحراها نبودند و در میان دیرها زندگی می‌کردند و آیین‌ها و برنامه روزانه مشخصی داشتند. پاکومیوس آیینی برای راهبان وضع کرده بود که بر اساس آن در خصوص خوردن و نوشیدن و روزه‌داری هیچ فشاری بر راهبان اعمال نمی‌شد (اسمیت، ۱۳۹۰: ۳۶). که بدین ترتیب الاهیات رهبانیت مسیحی در سایه همین آیین‌ها و اعتقادنامه‌ها ایجاد شد. پاکومیوس برای زنان تارک دنیا نیز صومعه‌ای تأسیس کرد که زنان دور از مردان در آنجا به مراقبه و تحصیل می‌پرداختند. علاوه بر عمل کرد پاکومیوس، صومعه‌هایی هم به

دست اشخاص دیگر همچون باسیل قدیس تأسیس شد که محلی برای تدریس و تبشیر بود و معلمان و مبشران و امرای کلیسا در این دیرها تربیت می‌شدند. اندک اندک الاهیات رهبانی در سراسر مسیحیت انتشار یافت و صومعه به مرکز دانش و معرفت و زهد و تقوا تبدیل شد (مک الوی میلر، ۱۳۸۲: ۲۶۰).

اما در مجموع، طبق آنچه از کتاب *تعالیم کلیسای کاتولیک* به دست می‌آید، رهبانیت بعد از مسیح و از کلیسا نشئت یافته است و این کلیسا بوده که افراد مسیحی را به این نوع زندگی دعوت کرده است (*تعالیم کلیسای کاتولیک*، ۱۳۹۳: ۲۸۵).

۲. تعریف صومعه

در ریشه‌شناسی دقیق واژه «صومعه» باید گفت که این واژه از کلمه یونانی *uovoc* گرفته شده است (Sause, 2002: vol. 9, p. 782). غالباً «صومعه» و «دیر» در دیدگاه اندیشمندان هم‌معنا و یکی دانسته می‌شود، در حالی که این دو واژه تفاوت‌هایی کاملاً محسوس با یکدیگر دارند. البته باید دانست که با وجود اختلاف معنایی بین این دو واژه، به مرور زمان معنای مشترکی را بیان کرده‌اند و اغلب میان «دیر» و «صومعه» تفاوتی قائل نمی‌شوند.

«دیر» در معنای خاص لغوی معادل اعتقاد قوی است و ساکنان آن افرادی مؤمن و بااعتقادند که به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. در زبان کلدانی واژه «قنویا» از واژه یونانی *coenobion* به معنای زندگی دسته‌جمعی گرفته شده است. در قنویای مشرق‌زمین در قدیم، راهبان زندگی زاهدانه‌ای داشتند که این خود اولین مرحله زندگی مذهبی آنها به شمار می‌رفت، یا همان‌طور که در زبان سریانی گفته می‌شود «آنها کار می‌کردند» یا به معنای دیگر «تمرینات جسمانی انجام می‌دادند». اما واژه «صومعه» در معنای خاص لغوی خود به معنای جایی است که در آنجا به تنهایی زندگی می‌کنیم. ساکن آن «راهب» نامیده می‌شود و در زبان کلدانی «ایخیدیا» گفته می‌شود؛ یعنی کسی که به تنهایی زندگی می‌کند. لذا باید گفت واژه «صومعه» معادل جایی است که افراد زاهد و پارسا به تنهایی در آن زندگی می‌کنند (*اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق*، بی‌تا: ۴۵/۱).

«صومعه» نام مکانی است که در دوره‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی درآمد و معنای متعددی برای خود یافت. در دوران نخست، شکل‌گیری صومعه نشان از یک

سلول یا مجموعه سلول‌هایی بود که با دیواری به دور آنها محافظت می‌شوند و راهب گوشه‌نشین در آن زندگی می‌کند. اما در دوره‌های بعد به خانه‌ای اطلاق می‌شد که راهبان و روحانیان در آن زندگی مشترکی داشتند.^۱ البته در جامعه مسیحی غربی، «صومعه» واژه‌ای بود که به طور خاص شامل خانه‌های منتسب به بندیکت، راهب بزرگ غربی، می‌شد (Sause, 2002: vol. 9, p. 782). اما صومعه از زمان تشکیلش به معنای ساختمان یا گروهی از ساختمان‌ها بود که برای اعضای نوعی نظام دینی ساخته می‌شد که آن اعضا در آن جدای از دنیای بیرون در کار و تحصیل، زندگی می‌کردند و به طور خاصی به عبادت خداوند مشغول می‌شدند (Kingsley, 2005: vol. 9, p. 6117).

اما از منظر الاهیاتی و عرفانی، «صومعه» در حقیقت خیمه‌ای است که در صحرا بر پا شده است، که در آن سکینه یا آرامش حضور خدا، ابر غلیظ حضور آسمانی، تقریباً به وضوح تجلی یافته است و نازل می‌شود. راهب کسی است که راز چهره خدا (راز جمال خدا) زندگی او را در بر گرفته است و او در این راز در حضور آسمانی زیست می‌کند. همچون بنی‌اسرائیل، که به فرمان خداوند، که از طریق موسی سخن گفت، همچون بنی‌اسرائیل که با فرمانی که خداوند از طریق موسی به آنان داده بود با هدایای تبریعی و کار، تمام خیمه عهد را ساختند و هدیه کردند، به همین ترتیب جماعت دیرنشین نیز به رهبری راهب ارشد و پدر مقدس که به نمایندگی از سوی خداوند سخن می‌گوید، تمامی توانایی و دارایی خود را برای ساختن قربانگاهی صرف و هدیه می‌کنند. دیر هرگز صرفاً یک خانه به شمار نیامده است که محلی برای سکونت مردمان باشد. این مکان، کلیسا، قربانگاه و مذبحی برای خداوند است. این خیمه نوین عهد جدید است که در آنجا خدا نازل می‌شود تا در میان انسان‌ها مسکن گزیند و نه فقط در ابری اسرارآمیز و پوشیده از هاله‌ای از معجزه، بلکه به صورت و در لباس انسانیت پسر آسمانی خویش که آن ابر نمادی از او بود (مرتون، بی‌تا: ۴۰).

توماس مرتون جایگاه بالایی برای صومعه قائل است و به گونه‌ای آن را بالاتر از کلیسا متصور می‌شود. او می‌نویسد:

کلیسای رهبانی (صومعه)، دقیقاً افق یک بیابان است ... زنی است که از دست‌های اژدها که کلمه طفل‌شده را می‌جوید تا او را نابود کند به بیابان گریخته است. این کلیسایی است که در سکوت خویش کلام انجیل را که

رسولان بذر آن را پاشیده‌اند در قلوب مؤمنان بارور و شکوفا می‌کند. این کلیسا، کلیسای است که به قوت دعای خویش به خود رسولان قوت می‌بخشد، که اغلب با وحش درگیر هستند و گاه شکست نیز می‌خورند. کلیسای رهبانی آن است که به مکانی در بیابان، که خدا برای او آماده کرده است، می‌گریزد و چهره خود را در راز سکوت خداوند پوشانیده، در هنگامه نبرد آسمان و زمین دعا می‌کند (همان: ۱۰).

در واقع مرتون صومعه را مریم باکره‌ای می‌داند که برای نجات جان کودکش به بیابان پناه برده و کلام انجیل را، که از زبان عیسی بیان می‌شود به واسطه رسولان، بر قلوب مؤمنان وارد می‌کند. وی به صومعه جایگاه مادر خدا را می‌دهد که وظیفه انتقال کلام مسیح را دارد و قلوب مؤمنان نیز در آنجا شکوفا می‌شود.

۳. علل شکل‌گیری و گسترش صومعه

برای بیان چگونگی شکل‌گیری صومعه باید به سیر تاریخی شکل‌گیری رهبانیت مراجعه کرد و دوران آنتونی کبیر و بعد از آن را کاوید. پیش از شکل‌گیری صومعه، در حدود قرن سوم، جنبشی سازمان‌یافته در کلیسا شکل گرفت که به «عهدیون» یا «پسران و دختران عهد» ملقب شدند. اینها گروهی بودند که خود را از اعضای کلیسا جدا می‌دانستند و کاملاً متعهد، مجرد و خودرأی بودند و قسم خورده بودند که جنگاوران خدا علیه دنیا، مادیات و شیطان باشند. مهم‌ترین ویژگی آنها ازدواج نکردنشان بود. زیرا آنها بر بکارت جسمی، تعهد و التزام قلبی و اتحاد عرفانی با آن یگانه، مسیح، تأکید می‌ورزیدند. این گروه، اجتماعات جدای از اعضای کلیسا تشکیل داد، اما نتوانست برای خود صومعه یا مکانی مقدس ایجاد کند (هیومافت، بی‌تا: ۹۵/۱-۹۶).

در دوران آنتونی، که از مهم‌ترین ویژگی‌های آن دوره رهبانیت انفرادی بود، چیزی به نام دیر یا صومعه به عنوان مکانی مقدس برای راهبان وجود نداشت؛ و راهبان، صحرا را برای عبادت و عزلت‌نشینی انتخاب می‌کردند. در واقع، اولین صومعه را پاکومیوس به سال ۳۲۰ میلادی در تابنیزی (Tabenisi) تأسیس کرد. پاکومیوس جوانی نظامی بود که از طریق یک اجتماع مسیحی به این دین گروید. بسیاری معتقدند نظامی

بودن پاکومیوس و همچنین تجربه حضور وی در میان اجتماع مسیحی باعث شد پاکومیوس دست به تأسیس صومعه بزند. زیرا به این طریق هم توانست از افراط و تفریط برخی راهبان جلوگیری به عمل آورد و هم دستورالعمل‌های یکنواختی برای راهبان تنظیم کند (ادوکیموف، بی‌تا: ۵۵). بنابراین، می‌توان گفت تأسیس صومعه قدمی بزرگ در گسترش رهبانیت مسیحی بود. زیرا با تأسیس صومعه، گروه‌های مختلفی از راهب و راهبه با شیوه زندگی یکسان و مشترک به وجود آمدند که در طول زمانی کوتاه از یک سلسله قوانین یکسانی نیز پیروی کردند و شکلی نظام‌مند یافتند (هیوز، بی‌تا: ۵۴-۵۵). شاید همین نظام‌مند شدن و نظم یافتن گروهی، علت ریشه‌یابی واژه «دیرنشین» از اصل یونانی‌اش باشد. دیرنشین (Cenobite) برگرفته از واژه Konios bios به معنای زندگی اجتماعی است و به کسانی اطلاق می‌شود که زندگی اجتماعی منظمی را پی می‌گیرند. لذا چون این راهبان زندگی نظام‌مندی را آغاز کردند به این مکان «دیرنشین» گفته شده است (کومی، بی‌تا: ۱۶۲/۱).

در آغاز شکل‌گیری صومعه‌ها، رهبانیت به دو شکل وجود داشت: زندگی در تنهایی؛ زندگی اجتماعی یا همان دیرنشینی (همو: ۱۶۲/۱). اما به مرور زمان، رهبانیت به شکل نخستین رواج نیافت و کم‌کم از بین رفت و همه راهبان در صومعه عزلت‌گزینی کردند. بازیل قدیس نیز زندگی رهبانی در جمعی منظم را ترجیح می‌داد و به همین سبب قواعد رهبانیت را وضع کرد (ادوکیموف، بی‌تا: ۵۵). بنابراین، زندگی زیر یک سقف همراه با الهام گرفتن از استادی بزرگ، که هر راهبی برای زندگی راهبانه خود وی را انتخاب می‌کند، آغاز می‌شود. با یکدیگر غذا می‌خوردند و در عبادات با هم رقابت می‌کردند و در خدمت به هم از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. ساکنان صومعه قاطعانه به وضعیت خود افتخار می‌کردند و این زندگی رهبانی را به یکی از رسولان به نام ویرجین (Virgin) یا یکی از راهبان بزرگ نسبت می‌دادند (Sause, 2002: vol. 9, p. 783).

گسترش صومعه علل متعددی دارد که در ادامه به سه دلیل اشاره می‌شود؛ نخست تعداد زیاد راهبان بود که سر و سامان دادن به آنها موجبات تأسیس صومعه‌های جدید را فراهم آورد؛ علت دوم اشتیاق شدید راهبانی بود که می‌خواستند دیرهای جدید بنا کنند؛ علت سوم را می‌توان جابه‌جایی دیرها در طول قرون دانست که در ادامه منجر به تشکیل صومعه‌ها شد (اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، بی‌تا: ۴۷/۱). به همین سبب

در برخی موارد در دو جای متفاوت شاهد دو دیر با یک نام هستیم. علت اصلی این انتقالات برخورداری از امنیت بیشتر بوده است (همان: ۵۰). صومعه‌سازی به طوری پیشرفت کرد که در طول قرن پنجم، در سراسر مناطق مدیترانه، شمال اروپا ساختمان‌های متعدد صومعه با معماری متفاوت تأسیس می‌شد تا اینکه در ۵۲۹ میلادی بندیکت در ایتالیا صومعه خود را با قوانین خاص خود که ترکیبی از مناجات‌نامه، مطالعه، مراقبه، کار زیر نظر مرید و ... است، ایجاد کرد که تحول عظیمی در تشکیل صومعه و همچنین جامعه رهبانی به وجود آورد (Kingsley, 2005: vol. 9, p. 6117). او میان حکومت و صومعه آشتی و ارتباط برقرار کرد و بدین طریق راهبان را وارد جامعه کرد. از سوی دیگر، با به دست آوردن اعتماد حکومت، صومعه‌ها بر مسائل سیاسی نیز تأثیرگذار بوده است (Seasoltz, 2005: vol. 2, p. 823-824).

بندیکت در کتاب *قواعد* خود مشروحاً به بیان چهار نوع راهب می‌پردازد و در این میان راهبانی را که به قواعد صومعه پای‌بند نیستند مذمت و نکوهش می‌کند؛ در واقع بندیکت در این تقسیم‌بندی به بیان انواع رهبانیت در مسیحیت می‌پردازد که عبارت‌اند از:

۱. سنوبیان (Cenobites): راهبانی که طبق قاعده و تحت نظر یک رئیس زندگی می‌کنند.

۲. معتکف‌ها (Anchorites): یعنی زاهدانی که تازه‌کار نیستند، بلکه با تمرین رهبانی طولانی، خود را آزموده‌اند و شیوه نبرد با شیطا‌طین را آموخته‌اند.

۳. سرابیان (Sarabaites): آنها بدترین راهبان هستند. زیرا با هیچ قاعده‌ای و زیر نظر هیچ مسئولی، مانند طلا در بوته آزموده نشده‌اند؛ آنها با کارهایشان ایمان را با دنیا جمع می‌کنند؛ آنها با سرتراشی به خدا دروغ می‌گویند.

۴. دوره‌گردها (Landloper): این راهبان در تمام عمرشان هر بار سه یا چهار روز در حجره‌های دیرهای مختلف مهمان هستند. آنها همیشه جابه‌جا می‌شوند و هرگز ثابت نمی‌مانند. آنها در خدمت احساسات و تسلیم امیال و شهواتشان هستند و از هر جهت، بدتر از سرابیان‌اند (موسوی فراز، ۱۳۹۰: ۴۵).

علی‌رغم گسترش مسیحیت و رهبانیت با توسعه صومعه‌ها، باید پذیرفت که شکل‌گیری صومعه‌ها مضرات زیادی برای رهبانیت مسیحی به همراه داشت که در ادامه به برخی از این مضرات می‌پردازیم.

۴. مضرات شکل‌گیری صومعه

۴.۱. ایجاد رابطه مرید و مرادی

بعد از تأسیس صومعه به دست پاکومیوس و نظام یافتن زندگی راهبان، وی به عنوان اولین پدر ارشد راهبان شناخته شد و پذیرفت که موقعیت و رفاه معنوی و غیردنیوی برادران راهبش را فراهم کند. بدین ترتیب نیز راهبان او را «پدر ما» می‌خواندند. این ایده در ادامه تبدیل به قانون شد، به طوری که پیروی از مافوق را «راه پیروی و تقلید از مسیح» (Way of imitating christ) می‌دانستند (Drayton, 2002: 51-52). در صومعه‌ها نیز همه از رئیس صومعه اطاعت می‌کردند و در برخی موارد، رئیس دیر نیز با فرمان‌های قساوت‌آمیز راهبان را می‌آزمود. برای مثال، رئیس یک صومعه از نوآموزش خواست در کوره پر از آتشی وارد شود. نوآموز نیز از دستورش اطاعت کرد و چنان‌که روایت شد شعله‌ها به کناری رفت و نوآموز آسیبی ندید (دورانت، ۱۳۷۱: ۷۴/۴). بنابراین، هر راهبی موظف بود از مافوق خود پیروی کند و کاملاً رابطه مراد و مریدی میان راهب و مافوقش وجود داشت (اسمیت، ۱۳۹۰: ۳۶).

البته باید دانست که پیش از تشکیل صومعه، ارتباط مرید و مرادی در میان زاهدان وجود داشت اما امری ملزوم و از شرایط اساسی رهبانیت نبود. در واقع در نظام رهبانی، معمولاً اجتماعات رهبانی را فردی به نام آبه (Abbe)، که راهبی ساده است، اداره می‌کند. این مسئله امری الزامی و از مشخصه‌های اساسی عطای رهبانیت است که از هر گونه کارکرد رسولانه به دور است و کاری ابداعی است که صومعه‌ها به وجود آوردند (ادوکیموف، بی‌تا: ۵۵). به علاوه اینکه پیش از تشکیل صومعه، هر راهبی به دنبال استاد مورد نظر خود بود و در این امر اختیار داشت، اما با ایجاد صومعه، این صومعه بود که برای راهبان در این امور تصمیم می‌گرفت. همچنین، رویکردی که صومعه برای راهبان در نظر می‌گرفت باعث رشد و توسعه سریع سلسله‌مراتب و تمرکز در سازمان و تشکیلات کلیسا شد. زیرا راهبان طبق برنامه‌ای که صومعه برای آنها در نظر می‌گرفت تابع و مطیع روحانیون ارشد خود بودند و اینها نیز مطیع و تابع پاپ بودند (کرنز، ۲۰۰۸: ۱۷۲-۱۷۳).

۴.۲. از بین بردن روحیه ظلم‌ستیزی و قیام

گرچه رهبانیت در ابتدا هم‌سو با تثبیت و تقویت ارزش‌های معنوی و دوری از مظاهر

دنیوی بود، اما به تدریج چنین حرکتی با ایجاد صومعه‌ها به انحراف کشیده شد. زیرا کلیسای مسیحی، بر افکار رهبانی تأکید کرد و دیرنشینی و اقامت در صومعه را با اهداف عزلت و ریاضت، گوشه‌نشینی، رنج بردن و بیزاری از دنیا و به ویژه دوری از حوادث دنیوی ترویج کرد و اقامت در حجره‌های صومعه‌ها باعث دور بودن از جریان‌های اجتماعی و سیاسی و صبر و سکوت در برابر ظلم حاکمان و عمال سیاسی کلیساها شد. آنها رنج در این دنیا را کلید و رمز موفقیت در جهان بعدی می‌دانستند و در قیام‌ها و اعتراضات به هیچ عنوان شرکت نداشتند و بدیهی است که بر اساس این افکار، روحیه ظلم‌ستیزی، قیام و مبارزه در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی نیز از انسان‌ها گرفته می‌شود و قدرت‌مندان و چپاول‌گران هر چه بیشتر بر سرنوشت مردم مظلوم مسلط می‌شوند.

فرانتس فانون، یکی از روشنفکران آفریقایی، در تحلیل خود بر استعمار آفریقا به دست غرب می‌گوید: «وقتی اروپایی‌ها به آفریقا می‌آمدند ما زمین داشتیم و آنها مذهب مسیحیت را، الان ما مذهب مسیحیت را داریم و آنها زمین‌های ما را». در واقع غرب برای به دست آوردن اروپا از شیوه رهبانیت مسیحی استفاده کرد و صومعه‌ها نیز به عنوان ابزاری برای حکومت‌های غربی به کار برده شد. آنها با تبلیغ رهبانیت و مسیحیت عرفانی، مردم را به سوی صومعه‌ها و مراد و مریدی فرا خواندند و دنیاگریزی و ریاضت را به آنان قبولاندند و مردم منطقه نیز کاملاً تحت تأثیر راهبان صومعه‌ها بودند و از آنها پیروی می‌کردند. بدین ترتیب کاملاً به صورت سازمان‌دهی شده تحت استعمار غرب و کلیسا قرار گرفتند. هرچند این استعمار و سیاسی شدن راهبان، آنها را از اهداف الاهیاتی خود جدا کرد و انحرافات جدیدی را در مسیحیت رهبانی به وجود آورد. همان‌طور که بستانی در کتاب خود به این موضوع چنین اشاره می‌کند:

بالآخره راهبان به مقامات عالی نائل گشتند و نزد پادشاهان و مردم و اسقف‌ها و صاحبان منصب منزلتی رفیع یافتند و از طرف آنان مورد اعانت و احسان فراوان قرار گرفتند و همین امر باعث شد که برخی اصول رهبانیت مختل گردد (بستانی، ۱۹۰۰: ۶۵۹/۸).

۴.۳. شهرت کاذب و غرور

یکی از عواملی که در گسترش دیرها بیان شده، اشتیاق شدید راهبانی بود که

می‌خواستند صومعه‌ها و دیرهای جدید بنا کنند. بیشتر این اقدامات برای به دست آوردن شهرت بود که با وسوسه‌های شیطانی به وجود می‌آمد. بعضی افراد دو دیر و حتی برخی سه دیر بنا می‌کردند تا شهرت بالایی برای خود فراهم کنند. رؤیای داشتن دیر به اندازه‌ای بود که حتی مقدس‌ترین آنها نیز نمی‌توانستند از آن بگذرند و شیطان نیز آنها را برای این کار وسوسه می‌کرد. در این باره داستان راهبی نقل شده که شیطان به شکل راهبی نزد او می‌آید و با وی چنین سخن می‌گوید: «پس شیطان به راهب گفت: ما یک دیر بنا خواهیم کرد تا راهبان در آن جمع شوند، همچنین از مسافران و افراد غریب پذیرایی خواهیم کرد و بدین طریق پاداش شایستگی‌هایمان را خواهیم گرفت». زمانی که راهب بیچاره قبول کرد شیطان فریاد برآورد: «من تو را با عشق شهرت‌طلبی کاذب وسوسه کردم و تو با اعلام موافقت خود به ساختن دیر فریب خوردی» (اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق، بی تا: ۴۷/۱).

علاوه بر این مسئله، راهبانی که برای اعتلای روح خود ریاضت می‌کشیدند دچار غرور روحانی می‌شدند و هنگامی که صومعه‌ها در اثر امساک و مالکیت گروهی، ثروتمند می‌شدند، خصلت‌هایی همچون کاهلی، خست و طمع نیز در این راهبان نفوذ می‌کرد (کرنز، ۲۰۰۸: ۱۷۲).

۴.۴. صومعه مکانی برای دست‌یابی به قدرت

برخی از افراد سودجو به سبب جایگاه پراهمیت صومعه، وارد آن می‌شدند و بعد از مدتی به میان مردم می‌رفتند و شروع به تبلیغ ریاضت می‌کردند و بدین ترتیب شهرتی برای خود دست و پا می‌کردند. بعضی از آنها در امور کلیسایی دخالت مستقیم می‌کردند و می‌کوشیدند بر خاندان‌های سلطنتی تأثیر بگذارند؛ کاری که شمعون استیلی، قدیس ستون‌نشین معروف شمال سوریه، یا راهب سوری دیگر انجام دادند (پیترز، ۱۳۹۲: ۲۳۰/۳). برخی افراد سودجو که به لباس راهبان درمی‌آمدند، آثار قدسی حقیقی یا جعلی می‌فروختند و علیه شوراها و مذهب می‌گرفتند و حتی اعضای آن شوراها را تهدید می‌کردند. آنها مردم زودباور را وادار می‌داشتند که باب میل آنها رفتار کنند و هر عملی از آنها بخواهند انجام دهند. این مسئله چنان دردسری برای جامعه مسیحی ایجاد کرد که در شورای کالسدون فرمان داده شد تا مراقبت بیشتری از عضوگیری صومعه‌ها

انجام گیرد و هیچ کس حق نداشته باشد بدون اجازه اسقف، دست به تأسیس صومعه بزند یا آن را ترک کند (دورانت، ۱۳۷۱: ۷۷/۴-۷۸). در قانون شماره چهارم مجموعه قوانین شورای کالسدون آمده است:

کسانی که به زندگی رهبانی حقیقی و شایسته‌ای ادامه دهند، از احترام لازم برخوردار خواهند شد. ولی از آنجا که افرادی وضع رهبانی را همچون پوششی قرار می‌دهند و مقررات و امور کلیسایی را آشفته می‌سازند و بدون تمایز یا شناسایی در شهرها پرسه می‌زنند و می‌خواهند برای خود دیرهایی درست کنند، این سینود مقرر می‌دارد که هیچ کس دیری یا نمازخانه‌ای یا چیزی را بدون موافقت اسقف شهر بنا نکند و نسازد؛ علاوه بر این، راهبان هر ناحیه و شهر تابع اسقف خواهند بود تا آنان هم صلح و آرامش را دوست بدارند و هم در جاهایی که برایشان در نظر گرفته شده است، پیوسته به روزه و دعا مشغول باشند؛ ایشان خود را گرفتار اشتغالات کلیسایی و دنیوی نخواهند کرد و در این امور پا نخواهند گذاشت؛ آنان دیرهای خود را ترک نخواهند کرد مگر در مواردی که اسقف شهر از روی ضرورت ایشان را دنبال کاری بفرستد؛ و هیچ برده‌ای مجاز نخواهد بود بدون اجازه ارباب خود برای راهب شدن به صومعه برود. هر کس که این مقررات را بشکند، تکفیر خواهد شد تا به نام خدا بی‌حرمتی نشود. اسقف شهر باید دیرها را به دقت زیر نظر داشته باشد (پیترز، ۱۳۹۲: ۲۳۰/۳).

۴.۵. صومعه باعث ایجاد فساد در برخی راهبان

همان‌طور که در تقسیم‌بندی بندیکت از راهبان بیان شد، برخی برای امیال شهوانی و قدرت به صومعه می‌آیند. به جهت سختی تشخیص میان راهب اصلی و دروغین، فساد و بی‌نظمی در صومعه‌ها فراوان است. راسل در کتاب خود می‌نویسد:

در روزگار قدیم، پیش از آنکه راهبان در سازمان‌های روحانی قرار بگیرند، صومعه‌ها منشأ بی‌نظمی بودند. اولاً برای تشخیص ریاضت‌کشان حقیقی از کسانی که بر اثر تنگ‌دستی صومعه را برای زیستن جایی نسبتاً مرفه می‌دیدند، هیچ راهی وجود نداشت. دیگر آنکه راهبان با هو و جنجال از اسقف‌هایی که

می‌خواستند پشتیبانی می‌نمودند و باعث می‌شدند که مجامع مسیحی (و حتی شوراها ی مسیحی) به ورطه الحاد سقوط کنند. مجمع افسس (نه شورای افسس) که در تأیید قائلان به وحدت طبیعت (مونوفیزیت‌ها) رأی داد مرعوب همین راهبان بود. اگر ایستادگی پاپ نبود بسا که پیروزی مونوفیزیت‌ها دائمی می‌شد (راسل، ۱۳۷۳: ۵۳۲).

۴.۶. مادی‌گرا شدن راهبان

تا پیش از تأسیس دیرها، خدمات راهبان مخصوص فقرا و بینویان بود و از خود ملکی بر جای نمی‌گذاشتند و قدرت آنها میان مردم همان محبوبیت آنها در اجتماع بود، اما با ایجاد دیرها، هر کدام برای خود ملک و املاکی به دست آوردند و راهبان نیز در پیش‌برد آن تلاش می‌کردند. صومعه در کنار کلیسا، از مراکز مهم مسیحیان به شمار می‌رفت و برای خود صاحب سبک و نفوذ فراوان بود، به طوری که در اواخر قرن ششم، پاپ از میان صومعه انتخاب شد. در واقع گریگوری کبیر، نخستین راهبی بود که به مقام پاپی رسید. او در اداره امور و مدیریت اموال فردی قوی بود، به طوری که در ملک ایتالیا همانند پادشاهی مقتدر فرمانروایی می‌کرد (ناس، ۱۳۸۱: ۶۴۰). با روی کار آمدن گریگوری کبیر، ثروت فراوانی به صومعه‌ها وارد شد و بسیاری از ویژگی‌های رهبانیت، همچون فقر، گرسنگی، نداشتن حاشیه سیاسی و ... کم‌رنگ شد.

۴.۷. محرومیت جامعه از استعدادها

یکی از مضراتی که صومعه به بار آورد محرومیت جامعه از استعدادها و توانایی‌های رهبران بزرگ و بالیافت بود. بسیاری از بهترین مردان و زنان امپراتوری جذب صومعه‌ها می‌شدند و جامعه درست زمانی که به چنین رهبرانی نیاز مبرم داشت، از توانایی‌های آنها محروم می‌ماند. علاوه بر این، ازدواج نکردن و مجرد ماندن این افراد مانع ایجاد و پرورش کودکان قابل می‌شد. در واقع با این رویداد، جامعه از نیروهای مستعد و قوی محروم می‌شد و اداره جامعه بیشتر به دست افرادی نالایق و ضعیف می‌افتاد (کرنز، ۲۰۰۸: ۱۷۲).

نتیجه

وجود صومعه در مسیحیت، برخلاف دو دوره اولیه رهبانیت مسیحی، در دوره سوم جایگاه بسیار مهم و بالایی را به خود اختصاص داد، که به نوعی هم‌تراز با صحرا برای آباء صحرا تلقی می‌شد. به همین سبب در سال‌های بعد از قرن چهارم و پنجم، صومعه، جایگاهی مقدس شناخته می‌شد و عبارات مقدس‌گونه فراوانی برای آن به کار می‌رفت. از باب نمونه برخی آن را خیمه نوین عهد جدید معرفی می‌کنند که در آنجا خدا نازل می‌شود تا در میان انسان‌ها مسکن گزیند.

علل متعددی در گسترش صومعه وجود دارد که برخی از این علل عبارت‌اند از: شمار فراوان راهبان و چگونگی سر و سامان دادن به آنها که باعث شکل‌گیری و گسترش ساخت صومعه شد. همچنین اشتیاق به ساخت صومعه نیز عامل دیگری در توسعه صومعه بود. برخی نیز جابه‌جایی دیرها در طول قرون را عامل گسترش صومعه دانستند. البته تعاریف و جایگاهی که برای صومعه در الاهیات رهبانی به وجود آمد یکی از مهم‌ترین علل گرایش راهبان به ساخت و توسعه صومعه بوده است.

در دوره‌های اولیه شکل‌گیری صومعه، این ساختمان، فواید فراوانی به همراه داشت که از جمله آن جلوگیری از افراط در ریاضت، نظام‌سازی الاهیات رهبانی، سر و سامان دادن به راهبان و کمک به آنها و تعیین گرایش‌های صحیح رهبانیت و عرضه آن به راهبان است، اما در ادامه مضرات فراوانی به بار آورد که برخی از این مضرات عبارت‌اند از: ایجاد رابطه مرید و مرادی که باعث ایجاد اختلافات الاهیاتی و در نتیجه شکل‌گیری مکاتب مختلف شد؛ روحیه ظلم‌ستیزی و قیام از آنها گرفته شد؛ برای افرادی که به دنبال شهرت کاذب و غرور هستند فضایی فراهم شد؛ این مکان برای بسیاری، مکانی برای دست‌یابی به قدرت شد؛ و شاید همین مسائل باعث ایجاد فساد در بسیاری از صومعه‌ها شد؛ به مرور زمان با جایگاهی که این مکان در میان مردم یافت و قدرت نیز چاشنی آن شد بسیاری از راهبان کوشیدند از این مکان سودجویی کنند و به نوعی مادی‌گرا شدند؛ علاوه بر این موارد، بسیاری از افراد مستعد در بسیاری از زمینه‌های علمی، فرهنگی و سیاسی، با ورود به صومعه باعث شدند جامعه از استعدادها و توانایی‌های آنها محروم شود.

در واقع صومعه به مرور زمان مضراتی به همراه داشت که به مراتب از منافع آن بیشتر بود؛ زیرا نه تنها با آنچه راهبان صحرا به عنوان پیشروان عرصه زهدگرایی مسیحی ترسیم کرده بودند همخوانی نداشت مضراتی را هم ایجاد کرد که تأثیر فراوانی بر الاهیات رهبانی و جوامع مسیحی داشت و رهبانیت را از اصول اصلی و اهداف آن، که آباء صحرا ترسیم کرده بودند، جدا کرد.

پی‌نوشت

۱. در واقع از این دوره معنای دیر و صومعه یکی و مشترک دانسته شد.

منابع

قرآن کریم.

کتاب مقدس.

آ. کمپیس، توماس (۱۳۸۹). *اقتدا به مسیح*، ترجمه و تحقیق: سعید عدالت‌نژاد، تهران: طرح نو.
ابن عربی، محیی‌الدین (۱۳۸۳). *فرهنگ و اصطلاحات ابن عربی*، ترجمه: گل‌بابا سعیدی، تهران: شفیعی.

ادوکیموف، پل (بی‌تا). «راز محبت»، در: www.irancatholic.com
اسمارت، نینیان (۱۳۸۳). *تجربه دینی بشر*، ترجمه: محمد محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران: سمت.

اسمیت، مارگارت (۱۳۹۰). *مطالعاتی در عرفان اولیه خاور نزدیک و خاورمیانه*، ترجمه: منصور پیرانی و مریم محمدی نصرآبادی، تهران: نشر مرکز.

اسناد و مباحثی درباره تاریخ کلیسای شرق (بی‌تا). تهران: کانون یوحنا رسول.

بستانی، پطرس (۱۹۰۰). *دایرةالمعارف بستانی*، بیروت: دار المعرفه.

پیترز، اف. ئی (۱۳۹۲). *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه: حسین توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

تعالیم کلیسای کاتولیک (۱۳۹۳). ترجمه: احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی، حسن قنبری، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.

دورانت، ویل (۱۳۷۱). *تاریخ تمدن*، ترجمه: گروهی از مترجمان، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

راسل، برتراند (۱۳۷۳). *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه: نجف دریابندی، تهران: کتاب پرواز.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق - بیروت: دار العلم، دار الشامیه.

زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۹). *مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای*، تهران: سروش.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

فروزان‌فرو، بدیع‌الزمان (۱۳۴۵). *ترجمه رساله قشیریه*، تهران: دانشگاه تهران.

قرشی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

کرنز، ارل ای. (۲۰۰۸). *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه: آرمان رشدی، انتشارات ایلام.

کومی، جین (بی‌تا). «چگونه تاریخ کلیسا بخوانیم؟»، در: www.irancatholic.com

گوئتر بلوم، جورج (بی‌تا). *تصوف در سنت سریانی*، بی‌جا: بی‌نا.

مرتون، توماس (۱۳۸۵). *حکمت مردان صحرا*، ترجمه: فروزان راسخی، تهران: نگاه معاصر.

مرتون، توماس (بی‌تا). «زندگی در سکوت»، در: www.irancatholic.com

مک الوی میلر، ویلیام (۱۳۸۲). *تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران*، ترجمه: علی نخستین، تهران: اساطیر.
 موسوی فراز، سید محمدرضا (۱۳۹۰). «رهبانیت، بندیکت؛ مبانی و منابع»، در: *معرفت ادیان*، س ۳، ش ۹، ص ۴۳-۷۰.

میشل، توماس (۱۳۸۷). *کلام مسیحی*، ترجمه: حسین توفیقی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
 ناردو، دان (۱۳۸۵). *پیدایش مسیحیت*، ترجمه: مهدی حقیقت‌جو، تهران: ققنوس.
 ناس، جان بایر (۱۳۸۱). *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: علمی و فرهنگی.

هینلز، جان آ. (۱۳۸۶). *فرهنگ ادیان جهان*، ترجمه: ع. پاشایی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

هیوز، فیلیپ (بی‌تا). «تاریخچه کلیسای کاتولیک»، در: www.irancatholic.com
 هیومافت، ساموئل (بی‌تا). «مسیحیت در آسیا»، در: www.irancatholic.com
 وان وورست، رابرت ای. (۱۳۸۵). *مسیحیت از لابه‌لای متون*، ترجمه: جواد باغبانی، عباس رسول‌زاده، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

Drayton, James M. (2002). "Pachomius as Discovered in the Worlds of Fourth Century Christian Egypt, Pachomian Literature and Pachomian Monasticism: A figure of History or Hagiography?" (Thesis), Australia: University of Sydney.

Gribomont, J. (2002). "Monasticism", *New Catholic ENC.*, USA: Thomson Gale.

Henry, Chadwih (1967). *The Early Church*, New York: Penguin Books.

Kingsley, Karen (2005). "Monastery" *ENC. Of Religion*, USA: Macmillan Reference.

Mccarthy, M.C. (2002). "PACHOMIUS, ST.", *New Catholic ENC.*, USA: Thomson Gale.

"Monasticism" (2005). in: *Merrian-Webster's ENC. Of World Religions*, Mircea Eliade (ed.), USA: Macmillan Reference.

O'connor, Daniel (2004). "Monasticism", in: *The ENC. Of Protestantism*, New York: Routledge.

Sause, B. A. (2002). "Monastery", in: *New Catholic ENC.*, USA: Thomson Gale.

Seasoltz, R. Kevin (2005). "Benedict of Nursia", in: *ENC of Religion*, Mircea Eliade (ed.), USA: Macmillan Reference.

Weckman, George (2005). "Monasticism", in: *ENC. of Religion*, USA: Macmillan Reference.